

وقف‌نگاری‌های شیخ صدوق رحمته الله

سید محسن موسوی ۱

چکیده:

وقف‌نگاری، یکی از حوزه‌های نگارشی دانشمندان اسلامی در رشته‌های فقه و حدیث است. نگارش درباره وقف به خصوص آنچه که از زبان خاندان وحی و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نقل می‌شود، در تبیین فضیلت، آداب و احکام وقف و در نتیجه ترویج فرهنگ وقف نقش فراوانی دارد.

یکی از نگارندگان حوزه وقف، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق رحمته الله است که دو کتاب مستقل در این باره به نگارش در آورده است. در این نوشته که به شیوه توصیفی به سامان رسیده است، به معرفی آثار مستقل شیخ صدوق رحمته الله درباره وقف و نیز مطالب پراکنده در کتاب‌های موجود ایشان درباره وقف پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

وقف، وقف‌نگاری، شیخ صدوق رحمته الله



مقدمه

وقف، یکی از میراث ماندگار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در قالب یک عنوان فقهی است که آثاری باقی و جاری را برای واقفان مسلمان در بر خواهد داشت. اهمیت مسأله وقف و لزوم تبیین احکام آن، دانشمندان و نویسندگان اسلامی اعم از محدثان و فقیهان و... را بر آن داشت که کتاب‌هایی را در این باره به نگارش درآورند.

ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق) از نویسندگان پر تألیف قرن چهارم هجری است که بیشتر نوشته‌های او در زمینه فقه و حدیث است. یکی از زمینه‌هایی که شیخ صدوق در آن قلم زده است، وقف می‌باشد. در این نوشته به معرفی آثار و نوشته‌های وی در زمینه وقف خواهیم پرداخت.

یک. آثار مستقل درباره وقف

شیخ صدوق دو کتاب مستقل درباره وقف به نگارش درآورده است: یکی کتاب الوقف است که نجاشی نام

این کتاب را در فهرست آثار صدوق آورده و علامه تهرانی هم آن را با عنوان الوقف و احکامه نام برده است.^۲ و دیگری کتاب مسائل الوقف که نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۳ شیخ آقابزرگ تهرانی هم نام این کتاب را آورده است.^۴ متأسفانه هیچ یک از این دو کتاب، به دست ما نرسیده و در گذر زمان مفقود شده است. تفاوت این دو کتاب در این است که کتاب الوقف بر اساس قاعده نگارش کتاب‌های فقهی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب مانند دیگر نگارش‌های فقهی قرن‌های نخستین به صورت حدیثی بوده و فقیه، احادیث فقهی را به گونه‌ای تبویب و تنظیم می‌کند که دیدگاه فقهی او را نتیجه دهد. ولی کتاب مسائل الوقف بر اساس سبک نگارش کتاب‌های مسائل تدوین یافته است. المسائل، عنوان تعدادی از کتاب‌های شیخ صدوق است که غالباً در موضوع فقه نوشته شده است. چنان که از نام کتاب پیداست، این کتاب‌ها مجموعه مسائلی است که همراه با

نبودن وقف بر مسجد می باشد. در این باب فقط یک حدیث نقل کرده است.^۶ ج- بابی از کتاب معانی الاخبار را با عنوان باب معنی الحبیس تدوین کرده است. در این باب شیخ صدوق احادیثی را ارائه کرده، سپس در بیان معنای حبیس می گوید: والحبیس هو کل وقف الی وقت غیر معلوم هو مردود...^۷.

د. در کتاب من لایحضره الفقیه که مجموعه ای از کتاب های فقهی است، کتابی را به وقف اختصاص داده و آن را باب الوقف و الصدقة و النحل نام نهاده است. احادیث ۵۵۶۷ تا ۵۵۹۴ از این کتاب به موضوعات مرتبط با وقف اختصاص یافته است.^۸ علاوه بر کتاب الوقف، احادیث متعددی در بابها و فصل های مختلف درباره فضیلت، اهمیت، آداب و احکام وقف در کتاب من لایحضره الفقیه آورده شده است. برای نمونه در جلد اول کتاب دو حدیث درباره وقف آب نهر یا چاه و نیز ناروایی وقف برای مسجد، نقل کرده است.

پاسخ هایشان به صورت کتاب تدوین شده است.

بخشی از آثار شیخ صدوق که پانزده اثر است با این عنوان ارائه شده است که در پی می آید: کتاب المسائل، مسائل الحج، مسائل الحدود، مسائل الخمس، مسائل الدیات، مسائل الرضاع، مسائل الزکاة، مسائل الصلاة، مسائل الطلاق، مسائل العقیقه، مسائل الموارث، مسائل النکاح، مسائل الوصایا، مسائل الوضوء، مسائل الوقف.

دو. وقف در آثار موجود صدوق

شیخ صدوق علاوه بر کتاب های مستقلی که در موضوع وقف به نگارش درآورده، بخش هایی از کتاب های فقهی خود را به این موضوع اختصاص داده است. الف- باب صد و شصت و هشتم کتاب الهدایة فی الاصول و الفروع را باب الوقف نام نهاده و با این جمله آغاز می کند که الوقف علی ثلاثة وجوه أحدها...^۵.

ب- باب پنجم از جلد دوم کتاب علل الشرایع، درباره بیان علت جایز

هـ. در کتاب ثواب الاعمال نیز حدیثی را نقل کرده، درباره ثواب کسی که چاه آبی را حفر نماید و آن را وقف نماید: هر کس چاهی برای آب حفر کند تا به آب رسد و آن را بر مسلمانان ببخشد و یا وقف آنها کند برای او همانند هر که از آن آب وضو گیرد و نماز بخواند ثواب باشد...^۹

و. در کتاب الخصال نیز دو روایت درباره وقف از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. یکی درباره سه خصلتی است که پس از مرگ پاداشش به دنبال انجام دهنده آن می‌گردد و یکی از آنها صدقه‌ای جاریه‌ای است که در زمان زندگی انجام داده که پس از مرگش تا روز قیامت به عنوان صدقه وقف باقی می‌ماند و کسی آن را به ارث نمی‌برد.^{۱۰}

حدیث دیگر چنین است: شش خصلت است که مؤمن پس از مرگش از آنها سود می‌برد؛ فرزند صالحی که به او استغفار کند، و مصحفی که آن را بخواند، و چاهی که آن را بکند، و درختی که آن را بکارد، و وقف آبی که جاری می‌کند و سنت نیکویی که پس

از او به آن عمل شود.^{۱۱}

ز. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام متن وقفنامه‌ای از امام کاظم علیه السلام که ملکی را بر فرزندان خود وقف کرده بود، روایت شده است. ابتدای متن این چنین است: عبد الرحمن بن حجاج گوید: امام کاظم علیه السلام وصیت‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام را برایم فرستادند و نیز نسخه صدقه (موقوفات) پدرشان را همراه ابواسماعیل مصادف (غلام امام علیه السلام) فرستاده، و وقفنامه وی و نیز وقفنامه خود را ذکر کردند: بسم الله الرحمن الرحيم: صدقات موسی بن جعفر چنین است: زمینش در فلان مکان...^{۱۲}

سه. گزارشی از محتوای کتاب الوقف

در کتاب الوقف از کتاب من لایحضره الفقیه، بیست و هفت متن روایی موجود است که برخی از آنها از ارزش و اعتبار والایی از نظر سندی و محتوایی برخوردار است. برخی از مهم‌ترین این روایت‌ها عبارت است از:

الف. وقفنامه‌ها

سه وقفنامه بسیار مهم و با ارزش از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در این کتاب نقل شده است که در حدیث ۵۵۸۸ ربیع بن عبدالله از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام خانه خود را که در محله بنی زریق مدینه بود، وقف کرد، وقفنامه‌اش را بر این گونه انشاء فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، این چیزی است که علی بن ابی طالب در حال حیات و سلامت خود آن را وقف کرده است، او خانه خود که در محله بنی زریق واقع است، به صورت وقفی درآورده است، که به فروش نمی‌رود و بخشیده نمی‌شود و به ارث برده نمی‌گردد....

همچنین حدیث ۵۵۷۹ از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه‌السلام وصیت حضرت فاطمه علیها‌السلام را برای او قرائت کرد. متن این وصیت در این کتاب نقل شده و توضیحی بر آن افزوده شده: و روایت شده است که این بوستان‌ها وقف بوده... .

و نیز حدیث ۵۵۹۳ که عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده است که گفت: امام کاظم علیه‌السلام وقفنامه موقوفه‌ای را بر این گونه انشاء فرمود: این چیزی است که موسی بن جعفر آن را وقف کرده است...

ب. نامه‌ها

بخشی از احادیث منقوله در این کتاب، نقل مکتوباتی است که بین امامان معصوم علیهم‌السلام و راویان احادیث ردّ و بدل شده است. از آن جهت که پاسخ این پرسش‌های مکتوب به قلم یا املائی امام بوده و از سوی راویان، تصرفی در الفاظ آن صورت نگرفته، ارزش دوچندان پیدا می‌کند.

مانند حدیث ۵۵۶۷ که نقل نامه محمد بن حسن صفار به امام ابو محمد حسن بن علی علیه‌السلام درباره اوقاف و سوال درباره روایاتی که از پدران آن امام در این خصوص رسیده است. امام علیه‌السلام با نامه‌ای پاسخ فرمود که: وقف‌ها (موقوفات) به خواست خدای تعالی بر آن گونه که واقفین آنها تعیین کرده‌اند، جریان می‌پذیرند. یا

حدیث ۵۵۶۸ درباره سوالی است که ابوالحسین به امام هادی علیه السلام نوشته بود و امام پاسخ نامه ایشان را فرمودند.

همچنین حدیث ۵۵۶۹ که علی بن مهزیار در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام، صحت نقل یکی از موالی را که از امامان علیه السلام روایت کرده است، از ایشان پرسید و امام علیه السلام در جواب نوشت: این موضوع به نظر من هم همین طور است.

و نیز حدیث ۵۵۷۱ که احمد بن حمزه برای امام کاظم علیه السلام نوشت درباره بنده مدبری را وقف کرده‌اند، و پس از آن صاحبش مرده است و دینی به ذمه دارد که مالش به ادای آن وافی نیست، امام علیه السلام فرمود: وقفش برای ادای دین او فروخته می‌شود.

احادیث ۵۵۷۰، ۵۵۷۲، ۵۵۷۴، ۵۵۷۵ و ۵۵۸۰ شرح نامه‌هایی است که برخی شیعیان و راویان حدیث از امامان علیه السلام پرسیدند و پاسخ‌های خود را به صورت مکتوب دریافت داشتند.

ج. سوالات

یکی از گونه‌های دریافت حدیث از

اهل بیت علیه السلام به شیوه سوال و جواب بود که به صورت کتبی یا شفاهی از معصوم پرسیده می‌شد. برخی از این سوال و جواب‌ها که گاه سوالاتش فرضی و برای بررسی وجوه علمی مسأله بود، به قدری می‌شد که خود مجموعه کتابی با عنوان «المسائل» را شکل می‌داد. برخی از پرسش و پاسخ‌های حوزه وقف در این کتاب نقل شده است مانند حدیث ۵۵۷۳ که صفوان بن یحیی، از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است، که گفت: از آن امام در باره مردی سؤال کردم که ملکی را وقف می‌کند، سپس به نظرش می‌رسد که در آن وقف تغییری بدهد، امام هم پاسخ فرمود: و اجازه تغییر آن را ندارد. یا حدیث ۵۵۷۶ که ابوعلی بن راشد از امام کاظم علیه السلام پرسش کرد که قطعه زمینی را در همسایگی اش خرید، سپس با خبر شد که آن زمین وقف است... . همچنین حدیث ۵۵۷۷ از جعفر بن حنان روایت کرده است که گفت: از امام علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که درآمد زمینی از آن خود را بر

جعفی روایت کرده است که گفت: من در باره مواریثی متعلق به خودمان، که ملکی حبیس در ضمن آنها بود، به محضر قاضی ابن ابی لیلی آمد و شد می کردم...

نتیجه گیری

۱. با گردآوری همه احادیث درباره وقف از شیخ صدوق در آثار موجودش، می توان قدمی را در راه احیا و بازسازی کتاب الوقف مفقود شده او برداشت. همچنین می توان احادیثی را که دیگر محدثان و فقیهان در موضوع وقف از شیخ صدوق نقل کرده اند، ولی در کتاب های موجود وی وجود ندارد، به این مجموعه افزود.

۲. نگارش های پیشینیان از جمله ابوجعفر بابویه صدوق، می تواند راهنما و راه گشای نویسندگان در حوزه وقف نگاری باشد. پیروی از سبک و اسلوب و نیز محتوای آثار ایشان، نوشته های خوب و مفیدی را به ظهور خواهد نشانند.

خویشاوندان پدری و خویشاوندان مادری خود وقف کرده... .

احادیث ۵۵۸۴ تا ۵۵۹۰ هم مربوط به پرسش و پاسخ ها از امامان علیهم السلام درباره وقف است.

د. قضاوت ها

قضاوت های پیشوایان دین از آن جهت که معصومانه است، از ارزش زیادی برخوردار است. دو قضاوت از این دست درباره وقف در این کتاب نقل شده است. مانند حدیث ۵۵۸۱ از عمر بن آذینه که درباره حکم دادگاه ابن ابی لیلی سخن گفت که محمد بن مسلم ثقفی به حکم اعتراض کرده و گفت: آگاه باش که علی بن ابی طالب علیه السلام در همین مسجد حکمی بر خلاف حکم تو صادر کرد... ایشان به بازگرداندن ملک حبیس به ورثه، و اجرای مواریث حکم کردند... در پایان نقل، صدوق توضیح داد که حبیس یعنی هر وقفی که مدتی معلوم نداشته باشد به ورثه بازمی گردد.

و نیز حدیث ۵۵۸۲ عبدالرحمن

پی نوشت ها:

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران
۲. الذریعة الى تصانیف الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۳۹
۳. رجال نجاشی، ص ۳۹۰
۴. الذریعة الى تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۷۲
۵. الهدایة فی الاصول و الفروع، صص ۳۲۳-۳۲۴
۶. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۹
۷. معانی الاخبار، صص ۲۱۹-۲۲۰
۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، صص ۲۳۷-۲۵۱
۹. ثواب الأعمال، ص ۲۹۱
۱۰. الخصال، ص ۱۵۱
۱۱. همان، ص ۳۲۳
۱۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸

منابع:

۱. الخصال، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲. الذریعة الى تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)، بیروت: دارالاضواء، دوم، [بی تا].
۳. رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الکوفی (م ۴۵۰ق)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
۴. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، قم: رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش
۵. علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، نجف: مکتبه حیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۶ق.
۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۷. من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۸. معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
۹. الهدایة فی الاصول و الفروع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.